

تا فردا چه پیش آید!



زندگی می‌کنند و از هزار و یک کمبود و نارسایی رنج می‌کشند. اگر آلمانی‌ها، مجارستانی‌ها، چینی‌ها و ویتنامی‌ها می‌توانند عوارض این بلایای طبیعی را به حداقل تلفات و ضایعات از سر بگذرانند و در مدتی کوتاه زندگی مصیب زدگان و آسیب دیدگان را به حالت عادی بازگردانند، به این دلیل نیست که آنان از جنسی دیگرند و در آفرینش با ما متفاوتند. دلیل این تفاوت آن است

برابر تکرار این حوادث به حداقل برسانند. در ایران و در بوئین زهرا، در دهه چهل زلزله شدیدی حادث شد. شادروان تختی مظهر کمک رسانی به مصیب زدگان آن فاجعه بود. وقتی در سال ۱۳۸۱ بار دیگر در بوئین زهرا زلزله ای رخ داد ما دیدیم در این چهار دهه هیچ کاری برای مقاوم سازی بناهای این منطقه که زلزله خیز بودن آن را همگان می‌دانند انجام نشده است. هم اکنون تلخی تلفات و ضایعات

یک مقام استان گلستان در گفتگویی با غرور و افتخار از تلفات اندک آخرین سیل این استان سخن می‌گفت و با تبختری که زیر لایه‌ای از فروتنی مصنوعی پوشانده شده بود، این موفقیت را (یعنی زنده ماندن کسی را که



می‌باید در این سیل می‌مردند، اما نمردند) محصول برنامه ریزی دقیق و عالمانه خود و همپالکی‌هایش و نیز دستاورد مسئولیت شناسی و اقدام سریع در مقابله با این بلیه طبیعی می‌دانست.

طرف مصاحبه (گوینده رادیو پیام) ناپرهیزی کرد و پرسید گمان نمی‌کنید ارقام تلفات خسارات وارده بر ما در مقایسه با ارقام مشابه در آلمان غیر قابل قبول توجیه باشد؟ (نقل به مضمون) و آن مقام که گویی به جایگاه قدسی وی اهانت شده باشد، جواب داد: خیر... خیر... سیلی که اینجا آمده با آلمان قابل قیاس نیست. اگر این سیل‌ها (سیل استان گلستان) در آلمان جاری شده بود، آن وقت خدا می‌داند چقدر آدم کشته می‌شدند و... این آقا آنقدر لفاظی کرد که گوینده مجبور شد همچون فردی که گرفتار آدمی سمج و وراج شده است، با بیان جمله ای به این مضمون که "در تماس های بعدی در این باره بیشتر صحبت خواهیم کرد" گفتگو را قطع کند.

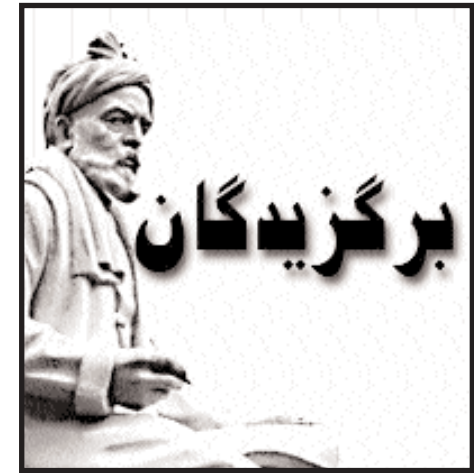
رسانه های ایران ابعاد و تصاویر سیل هایی را در دهه آخر مرداد در بسیاری از کشورهای اروپا و آسیا (آلمان، مجارستان، ویتنام، چین و ...) جاری شد به میزان محدودی منعکس کردند، اما ما که از طریق اینترنت و سایر وسایل اطلاع رسانی، تصاویر مربوط به این سیل ها را دیده ایم با جرات و قاطعیت می‌گوییم اگر مشابه آن سیلاب های بنیان کن و مخصوصا سیل آلمان (در ایران جاری شده بود، هزاران نفر را به کام



که در آنجاها مسئولان در برابر مردم و جامعه مسئول و پاسخگو هستند. از هر حادثه درس می‌گیرند و با برنامه ریزی دقیق و حساب شده می‌کوشند ضریب آسیب پذیری جامعه را در

آخرین زلزله بوئین زهرا و سیل استان گلستان را از یاد برده اند و برده ایم. تا فردا چه پیش آید!

پارس پژواک



مصطفی رحیمی متفکر، مترجم و نویسنده نامدار و یکی از بزرگترین حامیان اندیشه تساهل و مدارا، مدتی قبل در خانه اش در خیابان امیرآباد تهران درگذشت. وی در دوران زندگی خود خوانندگان ایرانی را با

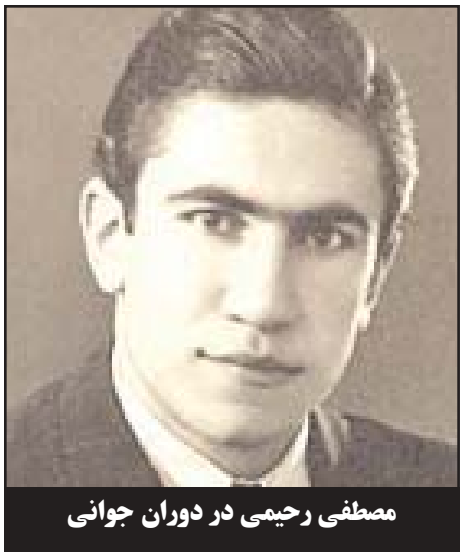


گام ها و آرمان ها ۱۳۷۰، آزادی و فرهنگ ۱۳۷۴، عبور از فرهنگ بازرگانی ۱۳۷۴. بررسی و تحقیق: قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی ۱۳۵۴، اصول حکومت جمهوری ۱۳۵۸، تراژدی قدرت در شاهنامه ۱۳۶۹، حافظ اندیشه ۱۳۷۱، سیاوش بر آتش ۱۳۷۱، درباره ژان پل سارتر

ترجمه ها

آنکه گفت آری، آنکه گفت نه ۱۳۳۸ برتولت برشت
اگزستانسیالیسم و اصلت بشر ۱۳۴۴ ژان پل سارتر
هنرمند و زمان او ۱۳۴۵ کامو و دیگران
نه دلاور و فرزندان او ۱۳۴۵ برتولت

رحیمی در دهه ۱۳۴۰ با ترجمه آثاری از برتولت برشت به شهرت رسید نویسنده ای که دغدغه ایران داشت



مصطفی رحیمی در دوران جوانی

تمامی آنها حول محور تساهل و مدارا می‌گردد. تمام سالهای پس از انقلاب رحیمی در خانه به نوشتن و ترجمه کردن و پرورش فکر ایرانیان از راه نشر مقالات و کتابها سپری کرد. او نقش بزرگی در پیشبرد ادبیات و تحولات اجتماعی ایران داشت. یادش گرامی باد.

زندگینامه

مصطفی رحیمی در سال ۱۳۰۵ در نائین متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و برای تحصیلات دبیرستانی به یرد رفت. اما دوره دوم دبیرستان را در اصفهان خواند و سپس به تهران آمد و در دانشکده حقوق به ادامه تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۳۷ راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن به دریافت درجه دکترای حقوق جزا نائل آمد. در پاریس با افکار ژان پل سارتر فیلسوف فرانسوی آشنا شد. در بازگشت به تهران وارد دادگستری شد.

در سالهای ۴۰ با رضا سید حسینی، عبدالله توکل و ابوالحسن نجفی آشنا شد و به ترجمه پرداخت. در زمانی که عبدالحسین زرین کوب مسئولیت دپارتمان ادبیات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران را بر عهده داشت از او دعوت کرد که ادبیات غرب را تدریس کند و او یکی دو سال به این کار مشغول شد.

فهرست آثار

شعر: بهشت گمشده ۱۳۲۸
قصه: اتهام ۱۳۵۷، باید زندگی کرد ۱۳۵۶، قصه های آن دنیا ۱۳۵۶.
نمایشنامه: آناهیتا ۱۳۴۹، تیاله ۱۳۵۶، دست بالای دست ۱۳۵۷، هملت ۱۳۷۱.
مجموعه مقالات: یاس فلسفی ۱۳۴۵، نگاه ۴۸، نیم نگاه ۱۳۴۹، دیدگاهها ۱۳۵۲،

نوشتن بود که افکار خود را گاه در قالب نوشته و گاه در قالب ترجمه تکتیر می‌کرد. اما نگاه تحمل نشد و توقیف گردید. رحیمی نیمی از مقالات کتاب را که چاپ آنها به نظر سانسورگران اشکالی پیش نمی‌آورد، در کتابی با عنوان دو پهلوی نیم نگاه منتشر کرد. واژه های نگاه و نیم نگاه و دیدگاهها از روی کتابهای رحیمی بود که بعدها به مثابه سرفصل های معروف مطبوعات درآمد. دیدگاهها عنوان مجموعه مقالات او بود که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد. هم مجموعه دیدگاهها و هم نگاه در زمان خود کتاب های بحث برانگیزی بود و جامعه ایرانی از آنها به شدت استقبال کرد.

در سالهای ۵۰ مصطفی رحیمی چنان اهمیتی یافته بود که دیگر نه به عنوان یک مترجم و نویسنده معمولی که به عنوان یک فیلسوف در جامعه کتابخوان ایرانی جلوه می‌کرد. البته او خود اعتقادی به چنین برداشتی نداشت. این تلمتی بیشتر نشانه آن بود که خواننده ایرانی با متفکری رو به روست که با اعتقادات خود زندگی می‌کند و معتقدات خود را با هیچ چیز معامله نمی‌کند. علاوه بر این رحیمی نشان داده بود که اندیشه ورزی است که به ایران و فرهنگ آن فکر می‌کند. چنانچه نام کتاب چاپ نشده او دغدغه ایران از آن نشان دارد.

در دوره انقلاب مقالات مهمی از او منتشر شد که تعهد او را در دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی ایران رقم می‌زد. بحث درباره این مقالات را باید به فرصت مناسب تری گذاشت. تنها می‌توان اشاره کرد که کتاب آزادی و فرهنگ او که در سال ۷۴ از چاپ درآمد، مجموعه مقالاتی را در بر دارد که

آثار بزرگانی چون سارتر، کامو، برشت، دوبوار و اکتاویو پاز آشنا کرد و در عرصه نوشتن انبوهی مقاله، قصه، نمایش نامه و بررسی و تحقیق از خود به یادگار گذاشت.

رحیمی در دهه ۱۳۴۰ با ترجمه آثاری از برتولت برشت به شهرت رسید. آنکه گفت آری، آنکه گفت نه و ننه دلاور در نسلی از تحصیلکردگان ایرانی، پیش از آنکه با نام برشت قرین باشد، با نام مصطفی رحیمی در خاطر می‌نشیند. این نسل از دانش آموختگان ایرانی با قلم او بود که بخش مهمی از ادبیات جهان را کشف کرد، خواند و با آن مانوس شد.

اما ترجمه های او به ژانر ادبی نمایشنامه، محدود نشد. اگزستانسیالیسم و اصلت بشر او که در سال ۱۳۴۴ راهی بازار کتاب ایران شد، علاقه مندان را با فلسفه دیگری آشنا کرد که تا آن زمان برایشان ناشناخته بود. هنرمند و زمان او اثر آلبر کامو یک سال پس از آن به دست اهل کتاب رسید. آن سالها سالهای پربار زندگی ادبی مصطفی رحیمی بود.

دو سه سال بعد ادبیات چیست سارتر را با همکاری دوست نامدارش ابوالحسن نجفی به بازار فرستاد. اکنون که سی چهل سال از فضای آن سالها فاصله گرفته ایم دشوار بتوان گفت که هر یک از این آثار چه تاثیر بی‌کرانی در ایجاد ذهنیت نسل هایی بر جای گذاشته است که در آن زمان می‌بالیدند. در سالهای پایانی چهل مجموعه مقاله‌ای با عنوان نگاه از او چاپ شد که تاثیرش از ترجمه هایش کمتر نبود. این مقالات رحیمی را از وادی ترجمه به سرزمین نویسندگی کوچاند. او دیگر فقط مترجمی چیره دست نبود، نویسنده ای اهل فکر یا متفکری اهل

برتولت برشت
ادبیات چیست ۱۳۴۸ ژان پل سارتر
ارفه سیاه ۱۳۵۱ ژان پل سارتر
نقد حکمت عامیانه ۱۳۴۵ سیمون دوبوار
رسالت هنر ۱۳۵۶ کامو و دیگران
ادبیات و اندیشه ۱۳۵۶ سارتر و دیگران
مجازات اعدام ۱۳۵۶ مارک آنسل
آنچه من هستم ۱۳۵۷ ژان پل سارتر
کشتار عام ۱۳۵۷ جان پل سارتر
حقوق و جامعه شناس ۱۳۵۸ گورویچ و دیگران
تعهد کامو ۱۳۶۲ آلبر کامو
دیالکتیک ۱۳۶۲ فولکیه
پرولتاریا، تکنولوژی، آزادی ۱۳۶۳ آندره گرز
بحران مارکسیسم ۱۳۷۰ کار دسته جمعی
روسترویکا و نتایج آن ۱۳۷۰ کار دسته جمعی
جنگ خلیج فارس ۱۳۷۰ سالینجر/لوران
سخن پاز ۱۳۷۱ اکتاویو پاز
چرا شوروی متلاشی شد ۱۳۷۳ کار دسته جمعی

زیر چاپ:

دغدغه ایران مجموعه مقاله
مارکس و سایه هایش